

بقیه مطالب این شماره :

در باره جبهه ملی سوم ایران	صفحه ۳
زندگی و مبارزه يك انقلابی بزرگ	صفحات ۴ و ۵
مسائلی که جنبش دانشجویی با آنها روبرو است	صفحه ۶
شعری از ژاله « بسا زندگیا بود مرگبار »	صفحه ۶
افکار عمومی جهان اعتراض میکند	صفحه ۸
رویدادها و تفسیرها	صفحه ۸
تقوم مردم	صفحه ۸

ما بهنام مردم ارکان مرکزی ضرب توده ایران

ششمین کنگره سندیکائی جهانی قطعنامه ای در باره ایران تصویب کرد

دیرکل فدراسیون لوئی سایان گفت : فدراسیون سندیکائی جهانی وارد دوران جدید ، دوران احیای وحدت سندیکائی بین المللی میشود .

کنگره پاریس فدراسیون را موظف کرده بود که بشایه وسیله تضمین صلح و ترقی اجتماعی در سراسر جهان با استقرار جنبش سندیکائی آزاد و دموکراتیک در آلمان و ژاپن کمک کند . در آلمان اتحادیه های کارگری در حال تکوین و مشغول فعالیت بودند . در ژاپن نیز بعداً جنبش سندیکائی دانسته وسیعی یافت و بتشکیل مرکز سندیکائی واحد ، سوهیو ، منجر شد . تصمیم نخستین کنگره سندیکائی جهانی از نظر واشنگتن دور نماند بنا بر این سیاست ارتجاعی و تفرقه در صفوف کارگران که در واشنگتن سازمان داده شد در وهله اول در آلمان و ژاپن بموقع اجرا در آمد . متأسفانه بعضی از رهبران سندیکاهای آمریکا بدون احساس مسئولیت در این جریان شرکت جستند . لوئی سایان با تذکر اینکه کنگره اتحادیه های صنعتی ، آمریکا ، سی . آی . او ، بر خلاف فدراسیون کار آمریکا در تأسیس فدراسیون سندیکائی جهانی شرکت مؤثر داشت و گزارش دهنده در مسئله صلح و امنیت اروپادرنخستین کنگره جهانی ، سیدنی هیامان ، نایب رئیس ، سی . آی . او ، و مشاور سلیسی و اجتماعی رزولت بود ، جمله زیر را از گزارش نامبرده بعنوان یاد آوری نقل کرد . او گفته بود : « من میدانم که در منطقه آمریکائی کار فرمانایان بزرگ آمریکا در همه از کاتیشهای عالی سیاست بطور مؤثر شرکت دارند . مسلم است که برای اجرای کامل و مؤثر برنامه بستام نمیتوان باین اشخاص اعتماد کرد . ما باید بدانیم که این اشخاص هرگز نمیخواهند قدرت جنگی آلمان نابود شود و فاشیسم - آنهم نه تنها در آلمان - ببحران برهه کن گردد . ما زحمتکشان جهان نباید آشکارا و با استحکام عزم خود را مبنی بر اینکه نیروهای مسئول اساسی جنگهای جهان ، دیگر هرگز نباید سر بلند بکنند ، بیان داریم . »

جنبش سندیکائی جهانی با تائید آراء گزارش هیلمن را تصویب کرد و با قطعیت راه خود را برگزید . بقیه در صفحه ۷

تکیه بر اختلافات و پراکندن نیروها یا اتحاد عمل بر پایه نقاط مشترک؟

یکی از عمده ترین مسائلی که اکنون در برابر جنبش کارگری جهان قرار داده مسئله تأمین وحدت نهضت کمونیستی و کارگری بین المللی و بهم پیوستگی اردوگاه سوسیالیستی است . در حل این مسئله تنها احزاب کمونیستی و کارگری و کشورهای سوسیالیستی ذینفع نیستند بلکه کلیه نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیست جهان نیز مستقیماً بان ذیملایه اند زیرا در دوران کنونی وحدت و یکپارچگی اردوگاه سوسیالیستی و جنبش کارگری بین المللی شرط قطعی پیروزی بر امپریالیسم در مقیاس جهانی و در درون هر کشور است . در واقع صفت ممیزه و خصیت عمده در دوران ما عبارت از گذار جامعه انسانی از سرمایه داری به سوسیالیسم در مقیاس جهانی است . امروز امپریالیسم دیگر آن نیروئی نیست که بتواند بلامناع بر جهان حکومت کند و سیر تحول تاریخ بشریت را تابع و وابسته به قوانین رشد خود نماید . هم اکنون یک سوم انسانیت براه سوسیالیسم پیوسته است و زندگی نوینی برای خویش میسازد . دست آورد های بزرگ اقتصادی ، علمی و فنی اردوگاه سوسیالیستی نه تنها از پیروزیهای سوسیالیسم بطور مؤثر مدافعه میکند بلکه امکانات و تسهیلات مهمی در راه مبارزه آزادی بخش خلفای اسیر فراهم میسازد و در عین حال عامل بسیار نیرومندی در حفظ صلح و امنیت سراسر جهان بشمار میآید .

از سوی دیگر سیستم استعماری امپریالیسم فرومیرزود ، سرزمینهای عظیمی با ثروتهای شگرف و نیروهای بزرگ انسانی از صورت نیروی ذخیره امپریالیسم بیرون میآیند . مبارزه خلفای آسیا ، آفریقا و آمریکای لاتین در راه استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی و همچنین مبارزه کشورهای از بند رسته برای تحکیم استقلال اقتصادی و سیاسی خود عامل اساسی دیگری برای تحول بشریت بسوی ترقی و صلح و دموکراسی میگردد .

در کشور های سرمایه داری پیشرفته طبقه کارگر با تمام قوا میکوشد تا با اتحاد کلیه نیروهای زحمتکش راه را برای استقرار جامعه سوسیالیستی هموار سازد . مبارزات روزانه طبقه کارگر در این کشورها ضربات نیرومندی به تسلط سرمایه داری امپریالیستی وارد میسازد . از اینرو سه جریان بزرگ انقلابی جهان کنونی یعنی نیروهای سوسیالیسم ، جنبش آزادی بخش خلفا برای استقلال ملی و ترقی و مبارزه توده های زحمتکش کشورهای سرمایه داری در راه دموکراسی و سوسیالیسم بطور اجتناب ناپذیر بهم میپیوندند و هر دم عرصه را بر امپریالیسم دشمن مشترک تنگتر میکند و راه را به سوی سوسیالیسم میکشاید . بهمین سبب است که در شرایط کنونی تضاد اصلی دوران ما عبارت از تضاد بین سیستم سرمایه داری و سیستم سوسیالیستی است و نیز در نتیجه پیوستگی این سه جریان انقلابی است که تناسب نیروها در صحنه بین المللی بیش از پیش بسوی سوسیالیسم و بضرر امپریالیسم تغییر میکند .

نقش درجه اول و عظیمی که اردوگاه سوسیالیستی در مجموع این بروسه انقلابی دوران معاصر ایفا میکند آشکار است و بنا بر این وحدت و یکپارچگی این نیرو و تمام جنبش کارگری بین المللی نخستین شرط موفقیت در مبارزه مشترک علیه امپریالیسم است .

بهمین جهت است که وجود اختلافات و ایجاد تفرقه و نفاق در جنبش کمونیستی و کارگری بین المللی تنها بزبان طبقه کارگر همه کشورها نیست بلکه بضرر مجموع نهضت انقلابی دوران معاصر و از جمله بضرر جنبش راهائی بخش ملی کشورهای مستعمره و وابسته است .

بنا بر این حزب ما از دو لحاظ بمسئله تأمین وحدت در جنبش کمونیستی و کارگری بین المللی

بقیه در صفحه ۲

بیست سال از جنبش دمکراتیک آذربایجان می گذرد

نیست که جنبش دمکراتیک آذربایجان که در شرایط تفرج اجتماعی کار میکرد و وظائف مهم دولتی و دفاعی و اجتماعی در برابر داشت از خطاها و اشتباهات مصون نماند . ولی آنچه که خاص این جنبش است سمت اجتماعی و هدفها و ماهیت مترقی آنست . اگر تکیه به این ماهیت نباید مانع دیدن خطاها و اشتباهات و تحلیل گزوهها شود ، بهمان ترتیب توجه باین اشتباهات نباید مانع آن گردد که ماهیت جنبش و خصایص اجتماعی آن و نقشی که در تاریخ کشور ما ایفاء کرده است بدرستی از زیباترین شود .

جنبش دمکراتیک آذربایجان

تجزیه طلبانه نبود

یکی از دعوائی دشمنان جنبش دمکراتیک آذربایجان و بررآی آن در بار پهلوی و هیئت حاکمه ارتجاعی ایران آنست که گویا این جنبش که خواستار حقوق ملی و فرهنگی خود در چارچوب ایران بود ، جنبشی بود تجزیه طلبانه و گویا قصد داشته است استان آذربایجان را از بقیه جدا کند . این تهمینی است که واقعیت متعدد آنرا رد میکند . بواقعیت رجوع کنیم : از همان

مردم را باز کرده بود . جنبش دسر سراسر کشور در حال اعتلاء بود . روز بروز توده های تازه ای از مردم ایران بصغوف مبارزه در راه استقلال و دموکراسی علیه ارتجاع و استعمار میپیوستند و نیروهای مترقی دسر سراسر کشور در مقیاس وسیعی متشکل میشدند . آذربایجان یکی از مراکز فعالیت نیرو های مترقی بود . در این شرایط و در نتیجه خدت خود سر بر های دولت مرکزی و روش متفرعانه کابینه صدر و حکمی نسبت بخواستهای حقه مردم آذربایجان ، در نتیجه فشار زندام و بیدار عامورین دولت و جور و ستم ملاکان و فئودالها ، مردم آذربایجان بستوه آمدند . آذربایجان مهد جنبش های انقلابی متعددی است : خاطره مبارزه ستارخانها ، حیدر عوامالی ها ، شیخ محمد خیابانی ها ، در ضمیر مردم آذربایجان زنده تر از آن بود که بتوانند فشار و اهانت را خاموشانه تحمل

خصیت ، هدف و دستاورد های جنبش

بیست سال پیش در روز ۲۱ آذر ۱۳۲۴ جنبش دمکراتیک آذربایجان تحت رهبری تفرقه دموکرات آذربایجان و صدر آن شادروان میر جعفر پیشه‌پوری در استان آذربایجان دست بقیام زد و نظامی دموکراتیک در این استان برقرار ساخت . این جنبشی بود که در آن اکثریت مردم آذربایجان ، کارگران ، دهقانان ، روشنفکران ، پیشه‌وران و بازرگانان و سرمایه‌داران کوچک و متوسط شرکت جستند . این جنبشی بود علیه فئودالیسم و ارتجاع ، برای استقلال دموکراسی در سراسر ایران ، برای تأمین حقوق حقه مردم آذربایجان در زمینه اداره امور خود و برخورداری از زبان وفرهنگ ملی . جنبش دمکراتیک آذربایجان و همزمان آن جنبش دمکراتیک کردستان میخواستند اهرمی برای اعتلاء باز هم نیرومندتر جنبش در سراسر کشور باشند و درست بهمین جهت مورد پشتیبانی حزب ما و دیگر سازمانها و رجال و مطبوعات ملی و دموکراتیک و عمده کثیری افسران انقلابی قرار گرفتند . جنبش دمکراتیک آذربایجان فرزیمه خالی پیدا نشد . مبارزات حزب توده ایران و سازمانهای دموکراتیک دیگر چشم و گوش

ذریعه است. یکی از لحاظ ماهیت طبقاتی و پایه عقیده ای خود و دیگری از جهت مصالح عالی جنبش انقلابی مردم ایران. این دو جهت در عین حال با یکدیگر پیوند منطقی دارند و جدائی آنها از هم تصنعی است زیرا منافع طبقه کارگر ایران و حزب آن، حزب توده ایران، از مصالح و منافع مجموع جنبش رهاشانی بخش ملی جدا نیست و جنبش رهاشانی بخش ایران جز از راه اتحاد با طبقه کارگر و سایر زحمتکشان شهر و ده و جز از طریق اتحاد محکم همه نیروهای ملی و آزادیخواه امکان نیل به منافع مشروع خود و تحقق آن ندارد. وحدت مارکسیستی و همبستگی بین المللی کارگری یکی از ارکان اساسی آموزش مارکسیسم - لنینیسم است که حزب توده ایران و سایر احزاب مارکسیستی - لنینیستی پیرو آنند. بهمین جهت است که در مقدمه برنامه حزب توده ایران این نکته به درستی تصریح شده است که: «حزب توده ایران پشتیبان جنبش کارگران کلیه جهان است و پشتیبانی معنوی این جنبش تکلیف می کند».

از آن هنگام که شعار معروف کارل مارکس و فریدریش انگلس، بنیان گذاران سوسیالیسم علمی، «کارگران همه کشورها متحد شوید» در جهان طنین انداز شد بیش از یکصد و هفده سال میگذرد. در این مدت بیش از یکقرن جنبش کارگری بین المللی کوششهای فراوانی بمنظور تحقق این شعار بعمل آورده و از قزاق و نیشاب های گوناگونی گذشته است. ولی بی تردید میتوان گفت که هیچگاه اختلافاتی که این نهضت از سر گذارنده بدرجه امروزی در سرنوشت جنبش عمومی انقلابی تأثیر نداشته است. از آنرو مسئله نهضت وحدت نهضت کمونیستی و کارگری بین المللی نیز بیکی از مسائل عمده عصر ما مبدل گردیده است. وقوع اختلافات در مورد تاکتیک، نوع مشی سیاسی در جنبش کارگری امری طبیعی است و این خود یکی از پدیده های رشد و توسعه نهضت است زیرا چنانکه لنین بیان میکند: «اگر بجای آنکه این جنبش در امر مقیاس ایده آل موهومی بسنجیم آنرا به مثابه نهضت واقعی انسانهای عادی در نظر بگیریم بطور وضوح آشکار میگردد که جلب بی در پی «مردم آوان» نو و کشش فشرده تازه ای از توده های زحمتکش ناگزیر باید تا نزدیک و تزلزلناهی در زمینه تئوری و تاکتیک، در مورد تکرار اشتباهات گذشته، برکشت موقت بسوی نظریات و اسلوبهای کهنه و غیره همراه باشد... از سوی دیگر سرمایه داری در کشور های مختلفه و در شاخه های متنوع اقتصاد ملی با سرعت واحدی رشد نمیکند. در شرایط جد اکثر رشد صنعت است که مارکسیسم به آسانترین، سریعترین، کاملترین و پایدارترین شکل خود بوسیله طبقه کارگر و ایندلوگوهای آن ملکه میشود. مناسبات اقتصادی عقب افتاده یا فئودالی که از رشد خویش میمانند؛ دائماً هژودازانی از نهضت کارگری بطور میسرانند که فقط باره ای از جوانب مارکسیسم، برخی از قسمتهای جهان بینی جدید و یا بعضی شعارها و خواستهها را جذب میکنند و توانائی آنها ندارند که تماماً با همه سنتهای عقاید بورژوازی بطور کلی و نظریات دموکراتیک بورژوازی بطور اخص بپردازند».

علاوه بر این، خصلت دیالکتیکی تکامل اجتماعی که در میان تضادها و از طریق تضادها انجام میگردد سرچشمه دائمی اختلافات است... بالاخره یک علت بسیار مهم که موجب بروز اختلافات در درون جنبش کارگری میشود عبارت است از تغییرات تاکتیکی طبقات خاکه بطور کلی و بورژوازی بطور اخص. (*)

این تحلیل عمیق که لنین از علل اختلافات در جنبش کارگری نموده است در مقیاس بین المللی نیز کاملاً صدق میکند. بویژه آنکه امپریالیسم با تجزیهات عریضه ای که در جریان آن تیمقون اخیر بدست آورده توانائی آنرا یافته است که بسرعت تاکتیک مبارزه خود را تغییر دهد و از شدت به نرمش و از نرمش به شدت از تعرض به عقب نشینی و از سکوت موقت به هجوم گرایش یابد. از سوی دیگر استقرار سوسیالیسم در کشورهای که از لحاظ پیشرفت اقتصادی، ترکیب

هیه ازصفحه ۱

تکیه بر اختلافات و پراکندن نیروها یا اتحاد عمل بر پایه نقاط مشترک؟

طبقاتی و آگاهی اجتماعی در یک سطح نبوده اند ناگزیر موجب بروز برخی اختلاف نظر ها در ارزیابی جوامع، در تحلیل پدیده ها، در اسلوب ساختمان سوسیالیسم و بالاخره در مورد تاکتیک عمومی نهضت میگردد. برخی از مسائل بین المللی از دیدگاه منافع خاص محلی و ملی یا بر مبنای عملی درک ماهیت تغییرات و تحولاتی که انجام شده است قضاوت میشود و بر اساس آن تئوریهای یکجانبه ای بوجود میاید. بنا بر این نفس بروز اختلاف نظر بر سر این یا آن مسئله در جنبش کارگری بین المللی و حتی در میان اعضاء اردوگاه سوسیالیستی شگفت آور نیست ولی آنچه مایه تأسف و تعجب است اینست که یکی از جهات اختلاف بجای آنکه در صدد برآید نظری را که خود صحیح میدانند از راه بحث و اقعاع منطقی بازمطریق تشکیل کنفرانسها و مناووزات چند جانبه با همگانی احزاب برادر، چنانکه سنت جنبش کارگری است «بدیگران بقبولاند» نظریه خود را مطلق کند و نظریات دیگران را ضد مارکسیستی، ضد انقلابی و غیره و غیره اعلام دارد و بخواهد که با تهدید بانتهاب و ایراد اتهامات گوناگون عقیده خویش را بر تمام نهضت کارگری و کمونیستی تحمیل نماید.

پدیده ای است چنین روشی از بنیان با موازین و اصول احزاب مارکسیستی - لنینیستی، با مناسبات برادرانه ای که منطقی باید بین این احزاب وجود داشته باشد میان این است و ناچاراً نه تنها به جنبش کارگری در مجموع خود زبان میرساند بلکه موجب آن میشود که امپریالیسم از این شکاف و اختلاف بسود خود و بضرر نهضت انقلابی خلفهای جهان استفاده کند و حتی برخی از مواضع از دست داده را از نو اشغال نماید. بیپروها نیست که در جریان چهار سال اخیر یعنی در دوانی که این اختلافات شدت یافته امپریالیسم امریکا دست با اقدامات تعرضی آشکار در نقاط مختلفه جهان زده است و حتی جسارت را بجائی رسانده که یکی از کشورهای اردوگاه سوسیالیستی (جمهوری دموکراتیک ویت نام) را مورد تهاجم قرار میدهد.

نتیجه آن شده است که اکنون بجای آنکه جنبش کارگری و اردوگاه سوسیالیستی با وحدت و یکپارچگی خود از اختلافات اردوگاه امپریالیستی بفرار کند و این امپریالیستها هستند که میکوشند اختلافات جنبش کارگری را مورد استفاده قرار دهند.

منظور این نیست که یکبار دیگر در اینجا مسائل مورد اختلاف بین رهبری حزب کمونیست چین و سایر احزاب برادر و چگونگی آنرا شرح کرده و درباره آنها به بحث بپردازیم. موضع حزب ما در این مورد ضمن اسناد متعددی انتشار یافته و اکنون حاجتی بتکرار آن نیست. آنچه فعلاً برای همه مارکسیستها برای مجموع جنبش کارگری جهانی و همه نهضت انقلابی جهانی اهمیت دارد راه بروز رقت از این هجران و طریقه تأمین وحدت و یکپارچگی در نهضت است. البته تصور اینکه اختلافات یکباره خاتمه یابد و از راه معجزه اسائی اختلاف و تفرقه بولست و اتحاد تبدیل گردد خیالیانی کوهت نظر افه ای است. آفتور که اوضاع و احوال نشان میدهد این ریشه سر دراز دارد زیرا وحدت و اتحاد لا اقل دو طرف دارد و اگر یکی از طرفین علی رزم کوشش ها و مجاهدات طرف دیگر نخواهد گامی در راه وحدت بردارد در انصورت هر قدر هم موضع و اقدامات طرف دیگر درست و منطقی باشد حصول نتیجه امکان پذیر نیست.

از سرمقاله ای که روزنامه زمین ژنیوا در ارکان رسمی حزب کمونیست چین در ۱۳ دسامبر ۱۹۵۶ انتشار داده است چنین برمیآید که رهبری حزب کمونیست چین بنا وجود اینکه با ایدمت حیاتی وحدت برای پیروزی بردشمن مشترک اذعان دارنوصرحاً مینویسد که: «بناظر ما پرولتاریائی بین المللی تنها با متحد ساختن نیرو های خود و با متحد شدن تمام نیرو های که میتوانند در جریان نبرد علیه سرمایه داری و امپریالیسم در جریان انقلاب جهانی متحد گردند قادر است. بردشمن پیروز گردد»؛ باتوسل ناینکه تنها وحدت بر اساس اصول مینیر است و با استفاده باین دعوی که گویند رهبری حزب کمونیست شوروی و سایر احزاب برادر «چهار روز پیروزیم خروشچی» شوند هرگونه وحدتی را با این حزب و

و بعدا کتر، این کمک مبنول گردد حزب کمونیست اتحاد شوروی معتقدست هیچ دلیل و بهانه هیچ اختلاف قدیم و جدیدی نمیتواند و نباید مانع این کمک شود. حزب کمونیست اتحاد شوروی بارها در این باره بعزب کمونیست و دولت جمهوری توده ای چین مراجعه کرده و همکاری آن را طلب نموده است. ولی متأسفانه حزب کمونیست چین در همانحال که فریاد دفاع از ملت قهرمان ویتنام را با آسمان رسانده است، عملاً از اشتراک سیاسی در این زمینه خودداری میکند و بدین ترتیب مبارزه این ملت زبان میرساند شگفت آورست که در همانحال رهبران حزب کمونیست چین، حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی را بدلم کمک به جنبش آزادیبخش ملی ویتنام متهم میکنند.

تنها در ویتنام نیست که آثار سوء و شوم سیاست تفرقه و انشعاب رهبران حزب کمونیست چین آشکار شده است. هرهر نقطه جهان که مبارزه ضد امپریالیستی در جریان است، سیاست تفرقه و انشعاب به آن زبان رسانده است.

روش حزب توده ایران در قبال اختلافات موجود در نهضت جهانی کارگری و خریق غلبه بران مصرح و خالی از ابهام است. ما هوادار وحدت اندیشه و عمل تمام احزاب مارکسیستی - لنینیستی و همکاری و تعاون تمام نیرو های ترقیخواه در مبارزه برضد امپریالیسم و ارتجاع هستیم. ما معتقدیم که در شرایط کنونی اولین و مهمترین قدم در راه رفع اختلافات موجود، وحدت عمل در مبارزه با دشمن مشترک است. فقط در میدان مبارزه فعال برضد دشمن مشترک و در همانحال اجرائی بحث ومشاوره صادقانه است که میتوان اختلافات موجود را از میان برداشت. حزب ما که با اصول مارکسیسم - لنینیسم پرولتاری و قدارست، سیاست تفرقه و انشعاب را قویاً محکوم و آنرا عملی بقم امپریالیسم و ارتجاع میشمارد. ما در همانحال که به عبق و اهمیت اختلافات موجود در نهضت جهانی کارگری، توجه کامل داریم، معتقدیم که غیرم تمام کوششها و استدلالات رهبران حزب کمونیست چین، مبنای عینی وحدت عمل و همکاری میان تمام احزاب کمونیست و کارگری و تعاون مشترک آن با جنبشهای آزادیبخش ملی وجود دارد و این بار هم جنبش جهانی کارگری غیرم تمام اشکالات موجود از بسوته آزمایش و گردش برای وحدت پیروزمند بیرون خواهد آمد.

بقیه از صفحه ۳

در باره جبهه ملی سوم ایران

همکاری کنیم ضمن چنین همکاری است که درستی یا نادرستی ارزیابیها و قضاوتها روشن میشود. در هر صورت امیدواریم که جبهه ملی سوم در عمل و با صداقت در راه اجرای شعارهای سازمانی و سیاسی خود بکوشد.

مبارزه نمر بخش نیست

گمان نمیرود در این اصل مسلم که در پیروزی نهضت های نجات بخش ملی توده های مردم نقش اساسی و درجه اول را دارنشکلی وجود داشته باشد. چه در مبارزه قهر آمیز و چه در مبارزه آرام و مسالمت آمیز نیروی توده ها یعنی اکثریت مردم است که ضریب اساسی را بدشمن وارد میکند. تنها جبهه ای از سازمانها و شخصتهای سیاسی بدون آنکه توده های میلیونی را پشت سر خود داشته باشد نمیتواند کاری از پیش ببرد بنا بر این جلب اعتقاد مردم که اکثریت آنها را توده های زحمتکش شهر و ده تشکیل میدهد شرط ضروری و وظیفه درجه اول هر سازمانی است که بخواهد مبارزه را با موفقیت به پیروزی برساند و اینکار بدون در نظر گرفتن منافع توده ها و توجه بنایالات آنها و جلب سازمان های توده های زحمتکش بد آنها اعتماد و

بقیه در صفحه ۸

درباره جبهه ملی سوم ایران

در دو شماره پیش منظره ای از تحول جبهه ملی و کیفیت پیدایش جبهه ملی سوم بدست دادیم و از اینکه بالاخره پس از مدت‌ها تشتت و تفرق و بحرانهای داخلی لاف‌زنان اکثریت سازمانهای وابسته بجبهه ملی باین نتیجه رسیده‌اند که باید طبق نظر آقای دکتر مصدق «درهای جبهه ملی را بسوی همه کسانی که میخواهند بر علیه استبداد و استعمار مبارزه کنند بکشایند»، ابراز خوشنودی و امید کردیم. در اینجا میخواهیم بنکاتی چند که توجیه آنها برای نضج و تکامل جبهه ملی سوم ضرور است اشاره کنیم. همانطور که بارها گفته ایم علیرغم حملات ناروایی که از طرف سازمانهای وابسته بجبهه ملی بجزب ما میشد و هنوز هم از طرف بعضی از آنها میشود طرفدار رشد و تکامل جبهه ملی که بخش قابل توجهی از نیروهای ملی را دربر میگردد بوده هستیم و اکنون نیز صادقانه آنچه را که برای توسعه و تحکیم این جبهه بنظر ما مفید میرسد اظهار میکنیم خوشبختانه نکاتی که در اینجا ذکر میشود کم و بیش مورد توجه قسمتی از سازمانهای وابسته بجبهه ملی نیز قرار دارد.

تنها طرز کار و فعالیت جبهه ملی سوم ملک

امتیاز آن از جبهه ملی دوم خواهد بود

بطوریکه معلوم است تشکیل جبهه ملی سوم نتیجه یک دوران طولانی مبارزه در درون نیروهای وابسته بجبهه ملی است قرائن نشان میدهد که این مبارزه گرچه بفع طرفداران نظر آقای دکتر مصدق و جناح هواخواه تشکیل جبهه بمعنی واقعی آن، به پیش رفته و عنوان جبهه ملی سوم نمودار این پیشرفت است اما هنوز حتی در اطراف لزوم تشکیل این جبهه مخالفت‌هایی ابراز میشود. نشریه «پیام دانشجو» منتشره در تهران ارگان سازمان دانشجویان وابسته بجبهه ملی در شماره مرداد- شهریور ۱۳۴۴ خود به «بعضی زرمه‌های مخالف که از گوشه و کنار در باره لزوم تشکیل جبهه ملی سوم بگوش میرسد» اشاره کرده و بدین نحو ابراز نگرانی میکند که «در کار احیاء جبهه ملی عملاً اختلال می‌رزد» بنظر ما این یک جریان طبیعی است که دوام و تأثیر اخلاط‌گرانه آن بستگی کامل بطرز کار و فعالیت جبهه ملی سوم دارد. تنها طرز کار و اسلوب عمل درست است که مخالفان با حسن نیت را از موضوع نادراست بوضع درست میکشاند و عناصری را که بر اساس انگیزه‌های ناسالم مخالفت میکنند منفرد و بدین ترتیب زمینه را برای پیشرفت کار آماده مینماید. این واقعیات است که عدم صحت روشهای سازمانی و سیاسی جبهه ملی دوم را در گذشته ثبوت رسانده و باز هم واقعیات باید صحت روشهای تازه جبهه ملی سوم را ثبوت رساند. «پیام دانشجو» در شماره یاد شده خود بدروستی مینویسد: «فقط اعلام تشکیل جبهه ملی سوم دردی را دوا نمیکند، بلکه مسئله اساسی و مهم چگونگی محتوی این جبهه است». جبهه ملی دوم که رهبری آن از لحاظ سازمانی و سیاسی و فعالیت عملی دچار تناقضات و اختلافات بود بقول آقای دکتر مصدق «در عرض این چند سال توانست کوچکترین قدمی در راه

آزادی و استقلال ایران بردارد...». در حالیکه مردم طرفدار جبهه ملی انتظار دیگری از آن داشتند. اینک شکل سازمانی و برنامه سیاسی روشنی در برابر جبهه ملی سوم قرار دارد که آنرا از جبهه ملی دوم ممتاز میکند ولی این شکل و این برنامه باید در عمل بکار بسته شود اگر در عمل «جبهه ملی ایران محل اجتماع کلیه احزاب، جمعیت‌ها، اصناف و دستجاتی» شود «که هدفی جز آزادی و استقلال ایران ندارند» و اگر واقعاً «درهای جبهه ملی را بسوی کسانی که میخواهند بر علیه استبداد و استعمار مبارزه کنند بکشایند» آنوقت است که جبهه ملی سوم دارای محتوی درست و متناسب با جنبش‌های بخش ملی خواهد بود و اگر در جریان عمل باز هم به تنگ نظریها و اختلافات گذشته میدان داده شود و حق انحصاری خاصی برای احزاب و جمعیتها و شخصیتهای معینی ملحوظ گردد، جبهه ملی سوم نیز دچار رکود و سکون و بالاخره بسرنوشت جبهه ملی دوم گرفتار خواهد شد. «پیام دانشجو» در شماره فوق‌الذکر خود در باره جبهه ملی دوم چنین مینویسد: «جبهه ملی دوم چه در مسائل سازمانی و چه سیاسی از روشها و تاکتیکهای پیروی میکرد که برای نهضت نامناسب بود و منطبق با ضرورتهای مبارزه ملی نبود» و «ما حاصل مسیری که رهبری جبهه ملی دوم اتخاذ کرد این شد که نهضت هنوز از بحرانی خارج نشده مواجه با بحران جدیدی گردید... تمایل بفرج از این بحران است که ضرورت تشکیل جبهه ملی سوم را توضیح میدهد در ضرورت تشکیل جبهه ملی سوم بطور ذاتی این هدف نهفته است که این جبهه از نظر محتوی، نظر، روشها و تاکتیکها چه در مسائل سازمانی و چه در مسائل سیاسی دنباله جبهه ملی دوم نباشد و بر جای پای رهبری گذشته قدم نگذارد و گر نه جابجا شدن افراد و شورای مرکزی و آمدن سازمانی و رفتن سازمانی بدون تغییر محتوی جبهه ملی، مرزی بین جبهه ملی دوم و سوم بوجود نیامورد در حالیکه با توجه بعدم اتحادی که در توده‌های مردم نیست به رهبری جبهه ملی سابق بوجود آمده است ضرورت مبرم دارد که افتراق جبهه ملی دوم و سوم مشخص شود و بطور علنی برای همه مردم توضیح داده شود که چرا ما جبهه ملی سوم هستیم و اولین قدم در ایجاد این مرز باید اشتباهات و خطاهای گذشته صادقانه، بدون برده پوشی و بدون کم و کاست و مبالغه و بدون بیم از خوش آمدنها و بد آمدن‌های خصوصی وبدون ملاحظه کارهای ناصواب با جسارت یک سازمان مبارز با مردم در میان گذاشته شود و بدین طریق برای جلب اتحاد مردم گامی بزرگ برداشته شود.» از مندرجات نشریه «پیام دانشجو» معلوم میشود که سازمان دانشجویان وابسته بجبهه ملی باین نکته اساسی توجه دارد که تغییر نام، خصلت و ماهیت جبهه ملی دوم را تغییر نینماید و تنها قبول اصل سازمانی و برنامه سیاسی درست

وحدت و صداقت در عمل

تردید نیست که جمع آوری نیروهای ملی بخصوص آن قسمت که در سازمانهای مختلفی با ایندولوژیهای گوناگون متشکل شده‌اند در مرحله اول امری مشکل بنظر میرسد؛ بخصوص که در نتیجه برخورد ها و اختلافات گذشته حسابها و یا خورده حسابهایی پیدا شده باشد که عبور از روی آنها و بر طرف کردن آنها بلند نظری و جرأت و جسارت لازم دارد. اگر بنا باشد که اختلافات گذشته و یا حسابهای خاصی در جلب و متحد کردن نیروها دخالت داده شود و یا از بیم اتهامات ناروا دست رد بر سینه این یا آن سازمان و گروه زده شود نتیجه لازم برای پیروزی، که همکاری تمام نیروها در جبهه واحدی است حاصل نخواهد شد. مسئله اصلی در شرکت دادن و یا جلب کردن این یا آن نیرو فقط باید آمادگی صادقانه آنها برای مبارزه علیه استبداد و استعمار باشد. ممکن است در درون جبهه علیرغم وجود هدف مشترک، سازمانها و گروههای مختلف راه‌های متفاوتی برای پیشرفت مبارزه ارائه کنند و بدین طریق در مواردی اختلاف نظرهایی بروز کند. چنین امری نه تنها بحال پیشرفت جبهه مضر نخواهد بود بلکه در کادر مراعات اصول سازمانی جبهه و هدف مشترک، مفید خواهد بود. با توجه باین نکته است که نشریه ایران آزاد ارگان سازمانهای جبهه ملی در اروپا (شماره ۳۷) در سرمقاله خود تحت عنوان «امیدهای نو» چنین مینویسد: «اتفاقاً وجود «تالیات و گراشها» که در یک سازمان و بطریق اولی در جبهه امری طبیعی و اجتناب ناپذیر مینماید در عین حال نشانه غنای آن سازمان بوده میتواند علت تحریک و دینامیک داخلی گشته سازمانی متحرک و زنده بوجود آورد. برخورد افکار مختلف و نشان دادن راههای متنوع در صورتیکه بخاطر رسیدن به هدف مشترک طرح گردد و در ضمن مبارزه و مواجهه با دشمن در سازمان ظهور کنند خود مفسر تکامل و ماده تغییر و تحول بوده حرکت سازمانی منتجه آن است» چنین است بیان «ایران آزاد». صداقت سازمانها و احزاب مدعی مبارزه با استبداد و استعمار را نمیتوان بطور ذهنی قبول یا رد کرد بلکه باید آنها را در کوره عمل سنجید. کسانی در

مبارزه آزادی بخش صادقند که در مراحل مختلف مبارزه از همکاری صادقانه دریغ نوزند و صمیمیت خود را در عمل نشان دهند. اصولاً وحدت نیروها و تحقق جبهه مشترکی از نیروهای ملی امری است که در جریان و طول مبارزه بوجود می‌آید، نضج میگردد و محکم میشود در جریان مبارزات گذشته مکرر مواقع و مواردی پیش آمد که اکثریت نیروهای ملی در گیر و دار مبارزه بهم جوش خوردند و پیوند یافتند ولی با کمال تأسف چون بیشتر رهبران این نیروها بلزوم جبهه واحدی که تا نیل به پیروزی همه نیروهای ملی را در خود مجتمع سازد معتقد نبودند، این پیوند را بریدند و در نتیجه تفرق نیروها، بی‌همی و مردم ما آن رسید که رسید. هدف ما در اینجا طرح مسائل گذشته نیست بلکه یاد آوری آنها برای تجربه اندوزی است. هم اکنون در مقابل چشم ما نمونه جالبی از همکاری نیروهای ضد استعمار و ضد استبداد در مورد دفاع از چهارده نفر از جوانان قرار دارد. در این مبارزه که برای نجات این چهارده نفر در مقابل حکومت مستبد و گوش بفرمان شاه در گرفت، تمام نیروهایی که امکان مبارزه داشتند شرکت کردند و حد اقل نتیجه این مبارزه ولو اینکه با آزادی آنها منجر نشد و نمیتوانست هم بشود این شد که شاه بالاچار دادگاه غیرقانونی نظامی خود را که سابقاً در بسته و بی سر و صدا تشکیل میداد، به دادگاهی که اقتضای و رسوائی دستگاه قضائی ارتش را برملا کرد مبدل ساخت و شاه «دمو کرات» ایران را تا حد زیادی بمردم جهان شناساند. نیروهای مختلف ضد استعمار و ضد استبداد در صورتیکه در موارد مشخص بدون تبعیض و صادقانه با هم کار کنند و مبارزه نمایند بتدریج بهمکاری بایکدیگر خود میگیرند و صداقت آنها در عمل معلوم میشود و آنوقت است که میتوان این همکاری را تا حد جبهه واحد رساند و اساس پیروزی نهایی را بی‌ریزی کرد. هم اکنون عده‌ای از شخصیت‌های برجسته جبهه ملی و گروه کبیری از مبارزان ضد استعمار در زندانهای حکومت جبار محمد رضا شاه در قید و بندند و آیت اله خمینی در عراق بحال تبعید بسر میبرند. آیا نمیتوان برای آزادی آنها و برای دفاع از حقوق آنها بمبارزه مشترکی دست زد و مبارزه مشکلی بوجود آورد؛ مسلماً امکان پذیر است. بهر حال نمیتوان و نباید منتظر نشست تا وحدت نیروهای ضد استعماری و ضد استبدادی بخودی خود بوجود آید باید دست بعمل زد و در جریان مبارزه بوحدت رسید. رکود و سکون و میدان دادن باختلافات ولو بامدحل آنها باشد کاری از پیش نمیرد. حرکت، جنبش و کوشش در طریق مقصود راه را برای آیند باز میکند و نشان میدهد که چه کسانی واقعاً مبارزه با استعمار و استبداد را امری جدی تلقی میکنند و حاضرند در راه آن فداکاری و همکاری کنند. ما با وجود آنکه هدف تیر اتهامات ناروا از طرف عده‌ای از رهبران جبهه ملی هستیم بارها گفته و باز هم تکرار میکنیم که حاضریم ولو در مقیاس بسیار کوچک هم باشد با جبهه ملی سوم بقیه در صفحه ۷

بمناسبت هشتاد و پنجمین سال تولد
حیدر خان عمو اوغلی



کودکی و جوانی حیدر

حیدر خان عمو اغلی در تاریخ ۲۰ دسامبر ۱۸۸۰ میلادی (۱۲۵۹ شمسی) در خانواده پزشکی موسوم به میرزا علی اکبر افشار در ارومیه تولید یافت. بهین مناسبت حیدر خان افشار نیز نامیده میشود.

پدر وی علی اکبر افشار مردی روشنفکر و مترقی بود و در نهضت مشروطیت ایران شرکت ورزیده بود. برادر بزرگ حیدر خان، عباس افشار در جریان انقلاب مشروطیت فعالیت پردهاغه و مؤثری داشته است. نظر بقدرات های انقلابی پدر و بسر مورد تعقیب ارتجاع واقع شدند او با تمام خانواده ناچار به مهاجرت و جلا وطن گردیدند. پس از مدتها سرگردانی در شهر های مختلف قفقاز بالاخره در شهر آکساندر پل (لنینگان کنونی) اقامت گزیدند.

پدر حیدر خان بکار طبابت خود مشغول بود و از این ممر، امکان پیدا کرد که به تحصیل و تربیت فرزندان خود کمک شایانی بکند. حیدر خان ابتداء در شهر آکساندر پل سپس در تفلیس در رشته برق تحصیل نمود. در نتیجه تماس با محیط انقلابی روسیه و برخورد با افکار سوسیال دموکراسی و معاشرت با عناصری چون سرگو اورژنیکیدزه به کسب علوم اقتصادی و اجتماعی جلب شد و بزودی بحزب سوسیال دموکرات روسیه وارد گردید. حیدر خان در ایام تعطیلات بکشور های اروپای غربی برای کسب معلومات و فرا گرفتن علوم و فنون مسافرت میکرد. او علاوه بر زبان مادری و فارسی و زبانهای محلی قفقاز بزبانهای روسی، فرانسه، آلمانی و ایتالیائی آشنائی داشت.

حیدر خان پس از خاتمه تحصیلات در معادن نفت باکو در قسمت برق مشغول کار شد و در اثر فعالیت انقلابی مجبور شد مدتی باکو را ترک کرده باروپا برود. پس از بازگشت مشارالیه با استخدام یکی از بازرگانان ایرانی موسوم به رضایف میلانی درآمد. این تاجر وی را برای ایجاد کارخانه برق در صحن حرم امام رضا بمشهد اعزام داشت. حیدر خان کارخانه برق را در مدت کوتاهی در مشهد دائر نمود.

ولی در نتیجه تحریکات متولی (که چراغ برق را مانع عوامفریبی خود میدانست) عده ای از عوام و مردم عامی بعنوان اینکه گویا ایجاد چراغ برق دستبرد بکارخانه خدا و کار «بابی ها» است کارخانه برق را خراب نمودند.

حیدر خان در آغاز سال ۱۲۸۲ شمسی به تهران عزیمت نمود و چند ماهی در بانک استقراری و اداره راه آهن شهر ری و تهران کار کرد و سپس بعنوان متصدی و سر مسکنیک کارخانه چراغ برق تهران مشغول کار شد. حیدر خان بعزت کار در کارخانه برق حاجی امین القزلب معروف به حیدر خان برقی شد. پس از چندی نظارت در ساختمان خیابانهای تهران و راههای شوسه اطراف تهران نیز بحیدر خان محول گردید. اشتغال بکارهای مختلفه موجب گردید که حیدر خان از نزدیک با زندگی بوده های زحمتکش ایران و اوضاع اقتصادی و اجتماعی آشنائی یابد. حیدر خان از این موقعیت و فرصت برای نشر افکار انقلابی در میان کارگران و روشنفکران استفاده کرد و عده ای از ایرانیان مترقی و انقلابی را به محفل سوسیال دموکراسی تهران وارد نمود و در تهران و سایر شهر ها به ایجاد حوزه ها و محافل سوسیال دموکراسی مبادرت ورزید.

این محافل سوسیال دموکراسی موسوم به مراکز غیبی گردیدند (حوزه مخفی سوسیال دموکراسی- اجتماعین و عامیون) تهران برهبری حیدر خان تشکیل شد. مرکز غیبی تبریز و مرکز غیبی رشت موسوم بکمیت ستاری در تربیت مجاهدین و انقلاب مشروطیت دل مهمی بازی کرده است.

جمعیت اجتماعین و عامیون و محافل سری مربوطه بان وابسته بمركز سوسیال دموکراسی ایران در عین حال در قفقاز تشکیل یافته بود. مرکز سوسیال دموکراسی قفقاز و انجمن شهر باکو تحت رهبری انقلابی معروف و برجسته از باجیان توری نریمان نریمانوف اداره میشد. و عباس برادر حیدر در این انجمن شرکت فعال داشت محافل سری قفقاز و انجمن باکو ضمن مبارزه علیه رژیم استبدادی ایران دوشا دوش زحمتکشان باکو با رژیم تراری روسیه مبارزه میکردند.

پس از شکست انقلاب ۱۹۰۵ روسیه حیدر خان عمو اوغلی مسافرتی بکشور های اروپائی نمود و در این مسافرتها بتکمیل معلومات فنی خود میپرداخت. حیدر خان طبق توصیه انجمن مجاهدین فنون ساختن بمب و سایر اسلحه و ادواتیکه بکار مبارزه انقلابی میخورده است آموخت. در مهال ۱۹۰۷ میلادی (۱۲۸۶ شمسی) حیدر خان مجدداً با ایران باز میگردد و فعالیت انقلابی خود را در دنا رأس مجاهدین و مبارزین نهضت مشروطیت از سر میگیرد. حیدر خان در آذربایجان در ناحیه خوی و ماکو علیه ارتجاع و اوتخانهای ماکو و اقبال السلطنه و خانهای مترجع ایل شکک مبارزات سخت نمود. در این جنگها حیدر خان یک درایمان بین المللی مرکب از جوانان کرد، آذربایجانی، ارمنی، آسوری، گرجی و ترک و غیره تشکیل داد و آنها را بر علیه ارتجاع رهبری و فرماندهی کرد. در همان ایام روزنامه مشروطه خواه «مکافات» چنین نوشت: «اگر مجاهدات و راهمائی حیدر خان نبود بطور حتم قلمه خوی بدست مترجعین میافتاد». در همین ایام است که میرزا حسین رشیده پدر فرهنگ ایران اولین دیستان را در خوی با پشتیبانی حیدر خان دائر کرد. حیدر خان در دفع شجاع نظام مترجع معروف و یکی از سر دستگان خونخوار مستبدین و یکی از قوی ترین دشمنان آزادی ایران تدابیر فراوانی بکار برد و بالاخره مشروطه و مشروطه خواهان را از شر وی نجات بخشید و وی را بقتل رساند.

محمد علیشاه برای اعاده ارتجاع و تسلط رژیم استبدادی خود سرهنگک لیاخوف را وادار کرد در تابستان ۱۹۰۸ مجلس شورای ملی ایران را به توپ بسته و آزادخواهان را قلع و قمع نماید. محمد علیشاه نه تنها مشروطه مورد موافقت پذیرش را از بین برد بلکه کشور ایران را به امپریالیستها فروخت. لذا تمام مردم ایران نسبت بوی نفرت شدیدی داشته اند. این شخص جبار آزادخواهان ایران را توقیف و تبعید نموده بقتل میرساند. جهانگیرخان صور اسرافیل و ملک المتکلمین و سایر آزادخواهان معروف و نیکنام ایران را شهید کرد.

حیدر خان عمو اوغلی مأمور از میان بردن محمد علیشاه گردید. حیدر خان با بمب هاتینیکه خودش ساخته بود بکالسنکه محمد علی میرزا بقتل برتاب نمود. بمب بدرشکته چی و بعضی از مستخدمین محمد علی میرزا اصابت کرد ولی بخو. شاه خونخوار اصابت نکرد. در نتیجه حیدر خان بازداشت میشود و برای اعدام در اطاق مرگ زندانی میگردد ولی حیدر خان با کمک کمیته سری سوسیال دموکراتها و رفقای خود موفق میشود از زندان بگریزد.

حیدر خان پس از فرار از زندان بلافاصله به بغداد و اسلامبول و سپس باروپا مسافرت کرد و پس از اندک مدتی بنا به تصمیم حزب سوسیال دموکرات با ایران باز میگردد. در موقع اقامت و مهاجرت در اروپا حیدر خان بیکار نشست. افکار غمومی آزادخواهان اروپا را برای پشتیبانی از مجاهدان آزادی ایران جلب میکرد.

در اواخر سال ۱۹۰۹ امپریالیسم انگلستان و روسیه تزاری در کار داخلی ایران دخالت کرده جنبش آزادیخواهی را در ایران سرکوب نمودند. روسیه تزاری در سال ۱۹۱۲ برای اخراج مورگان شوستر امریکائی رئیس دارائی اولتیماتوم داد. مردم بر علیه این اولتیماتوم قیام کردند و شعار مرگ یا استقلال شعار عمومی مردم ایران گردید.

در ۲۱ اوت ۱۹۰۷ قرارداد انگلستان با روسیه تزاری در باره تقسیم ایران و افغانستان بت مناطق نفوذ خود بامضاء رسید. طبق این قرارداد شمال ایران با اصفهان ویزد و قصر شیرین و سرحد ذوالفقار جزو منطقه نفوذ روسیه تزاری بود. جنوب شرقی از بیرجند، کرمان و بندر عباس و حدود افغانستان جزو منطقه نفوذ انگلستان گردیده بود و بین منطقه شمال و جنوب یک ناحیه و منطقه بیطرف بود که برای ایران باقی مانده بود و انهم بعداً در سال ۱۹۱۵ بین طرفین تقسیم گردید.

حیدر خان عمو اوغلی چنانچه گفته شد افکار عمومی آزادخواهان اروپا را برای کمک با انقلابیون ایران جلب کرد و بوسیله رفقای خود اورژنیکیدزه و شاتومیان و هلنا بکفرانس پراک حزب بالشویک به نزد ولادیمیر ایلیچ لنین از فجایع و تجاوزات دولت روسیه تزاری نسبت به آزادخواهان ایران شکایت برد. در نتیجه بنا به پیشنهاد لنین کنفرانس پراک مورخه ۱۹۱۲ قطعنامه زیر را صادر متمماید: «حزب سوسیال دموکراسی کارگری روسیه علیه روسیه تزاری که میخواهد با اعمال بربرمنشانه خود آزادی را در ایران خفه کند اعتراض مینماید. کنفرانس همدردی کامل خود را با مبارزه خنای ایران از آنجمله بامبارزه حزب سوسیال دموکرات ایران که در نبرد علیه ستمکاری تزاری آن همه قربانی داده است ابراز میدارد.» حیدر خان در

اروپا و خارج از ایران دسته های مختلف ایرانیان را متحد مینماید، کادر هائی برای مبارزه انقلابی و نهضت راهائی بخش ایران تهیه و آماده میکند و باین کادر ها تربیت مارکسیستی میدهد. جنگ جهانی اول، ایران را مصون نگذاشت اگرچه دولت ایران رسماً بیطرفی خود را اعلام کرده بود ولی خاک ایران بمیدل پار دوگاه نظامی دول متخاصم گردید. دولت ایران قادر نبود کشور را از تاخت و تاز ارتش متخاصمین محفوظ نگهدارد. در این موقع میهن پرستان و آزادخواهان بدفاع از میهن خود برخاستند. حیدر خان در این مبارزات نقش مهمی بازی میکرد. حیدر خان در سال ۱۹۱۵ به نهضت ملیون مهاجرین و زندانمیری (که در آن زمان دل متفرقی و میهن پرستانه داشت) وارد شد. در حکومت موقت ملی که در قلم و سپس در کرمانشاهان تشکیل یافته بود حیدر خان شرکت فعال داشت. پس از جنگهای خونین با اشغالگران در قلم قوای ملیون دچار شکست میگردد. حیدر خان اسیر و محکوم بجس با اعمال شاقه شده ولی پس از اندک مدتی موفق بفرار و مهاجرت باروپا میشود. حیدر عمو اوغلی بنا بدعوت سید حسن تقی زاده که آنوقت در برلن بوده و با عده ای از ایرانیان به نشر مجله کاوه پرداخته بود در سال ۱۹۱۷ به برلن آمد.

بین حیدر خان و سید حسن تقی زاده در باره طرز عمل و اقدام در کارهای ایران اختلاف نظر بوجود آمد و بالاخره (در اثر اختلاف نظر

زندگی یک انقلابی

اساسی) بین این دو نفر موافقت حاصل نشد. حیدر خان بر علیه مداخله آلمانها و ترکها در امور ایران بود و عقیده داشت که ایران را خود ایرانی ها بهتر از هر خارجی میتوانند اداره نمایند و انقلابیون نباید آلت مقاصد امپریالیستی دیگران باشند. تقی زاده عقیده ای مخالف حیدر خان داشت سید حسن تقی زاده چون در شخص حیدر خان عمو اغلی یک انقلابی مستقل الرائی وجدی میدید لذا با دادن اختیارات با او و شرکت وی مخالفت کرد و حیدر خان را طرد نمود.

فعالیت حیدر در نهضت کارگری و کمونیستی ایران

حیدر خان عمو اوغلی پس از پیروزی انقلاب اکتبر بروسیه مراجعت کرده جنگهای انقلابی علیه مداخله جوان امپریالیستی و ضد انقلابی دست زد. ابتدا در پتروگراد سپس در جبهه ترکستان در جنگهای داخلی علیه دشمنان انقلاب اکتبر جنگ پرداخت مخصوصاً بر علیه قوای اشغالگر انگلستان که ایران و قسمتی از ترکستان و باکو را اشغال کرده بودند. در سال ۱۹۱۸ — ۱۹۲۰ بمشکل کردن زحمتکشان ایران و وارد کردن آنها بارنش سرخ انقلابی ایران پرداخت.

حزب کمونیستی (عدالت) که رسماً بلافاصله پس از انقلاب فوریه ۱۹۱۷ در باکو بوسیله اسداله غفار زاده و عده ای از انقلابیون ایران تشکیل شده بود، در اثر تعقیب ارتجاع و حکومت موقت

مسائلی که جنبش دانشجویی با آنها روبرو است

همراه با رشد جنبش دانشجویان ایرانی مسائلی مطرح شده و میشود که حل نظری و عملی آنها برای رشد آتی جنبش ضرورت حتمی پیدا کرده است. بهرین جهت ما از فرصت تشکیل کنگره سالانه کنفدراسیون جهانی معصلین و دانشجویان ایرانی استفاده میکنیم و براساس تجربیات گذشته نظر خود را در باره چند مسئله اساسی باختصار بیان میداریم. شایان تذکر است که برخی از این مسائل روشن و یا کهنه بنظر میآیند و ظاهراً بحث درباره آنها و تکرار حقایق است. در حالیکه متأسفانه در واقع چنین نیست. در باره مسائل مختلف تغییرات و استنباطات گوناگون وجود دارد و بویژه در عمل آنچه که بطور کلی و اصولی مورد قبول است توجه کافی نمیشود. دیگر این که خطاب ما در اینجا افراد و گروههای معینی نیستند. ما این مسائل را هم با توده‌های و هم با غیر توده‌های در میان میکذاریم و هدفمان کمک به نزدیک کردن نظریات و حل مسائل است.

استقلال

استقلال از مختصات اصلی يك سازمان صنفی است. اکنون کنفدراسیون و سازمانهای وابسته بدان مستقلاند. هیچ حزب سیاسی وابسته نیستند. برنامه و اساسنامه و مشی معین و جدا گانه دارند. جلیسات و کنگره‌های خاص خود را تشکیل میدهند. ایرن بدیده کاملاً مثبتی است که باید آنرا حفظ و تقویت کرد. ولی همه اینها هنوز بمعنی داشتن استقلال کامل نیست. گاه در این بیان گروه سیاسی این تمایل دیده میشود که سازمان دانشجویان را «نیروی ذخیره» نیروی کمکی، و «تکیه‌گاه» خود تلقی میکنند و براساس همین تلقی نادرست میکوشند از آن استفاده کنند. تشکیل يك شمار مشخص سیاسی و استفاده از امکانات تشکیلاتی، سیاسی و اداری سازمان دانشجویان و غیره اشکال گوناگون چنین استفاده‌ای است. همه اینها سرانجام کار را بقضی عملی استقلال سازمان دانشجویان و وابستگی عملی سازمان دانشجویان با آن گروه سیاسی میکشاند. در سازمان دانشجویان گروههای مختلف سیاسی شرکت دارند. جنبش دانشجویی جزئی از نهضت عمومی مردم ایران در راه آزادی و استقلال است. سیاست چنین سازمانی از یکطرف باید براساس منافع مشترک اکثریت اعضا آن و از طرف دیگر برپایه منافع عمومی ملت ایران تنظیم گردد. اگر قرار باشد هر گروهی که در رهبری سازمان اکثریت بدست آورد، سیاست خود را از پیش ببرد، کار به هرج و مرج و تلاشی خواهد کشید. بدین جهت باید اعضا و مسئولین سازمانهای دانشجویی بتوانند بین هدفهای سازمانی و سیاسی خاص خود و سازمان دانشجویان فرق قائل شوند و این تفاوت را در عمل دقیقاً رعایت کنند. فقط در چنین صورتی است که میتوان اعتماد همه را جلب کرد و براساس این اعتماد، توده دانشجویان هم برای نیل به هدفهای خاص سازمان تجهیز کرد و هم بمبارزه در راه هدفهای کلی ملت ایران کشاند.

جنبه دیگری از استقلال مربوط بداخل کنفدراسیون است. درست است که سازمانهای وابسته به کنفدراسیون مشی عمومی کنفدراسیون را قبول دارند و موظف به پیروی از انضباط معینی هستند، ولی این سازمانها هم در چارچوب اساسنامه خاص خود و براساس رعایت حقوق و منافع اکثریت اعضا خود مستقلاند. آنها آزادند که با توجه باین دو نکته هر تصمیمی را که میخواهند بگیرند و این تصمیم را هم بمرحله عمل درآورند. گاه باز خواستهائی از طرف ارگانهای بالاتر بعمل میآیند و انضباطی خواسته میشود که بیشتر بانضباط حزبی شبیه است. چنین روشی هم به استقلال و هم به دمکراسی لطمه میزند.

دمکراسی

سازمان صنفی ماهیتاً يك سازمان دمکراتیک است. رعایت این دمکراسی فقط در این نیست که ارگانهای اجرائی انتخابی باشند و این ارگانها در کنگره‌ها به متخین خود گزارش بدهند، و رای اکثریت محترم و قابل اجرا باشد. این فقط يك جنبه دمکراسی است که اکنون در سازمانهای دانشجویی وجود دارد. جنبه دیگر اینست که نظر گروههای مختلفی که در اقلیت هستند بعد اکثر معلمان رعایت گردد، در تمام مسائل

برکنار نیست و تمییزات باشد. بویژه در کشور کم‌رشدی مانند ایران که روشنفکران نقش مهمی در نهضت‌های ملی و ضد استعماری دارند و میتوانند داشته‌باشند، شرکت فعال سازمان دانشجویان ایرانی در سیاست و در مبارزه عمومی ملت ایران موجب کمال خوشوقتی است. بنابراین صحبت برسر شرکت یا عدم شرکت سازمان دانشجویان در سیاست و در فعالیتهای سیاسی نیست. سخن برسر حدود آنست. برای روشن کردن این حد باز باید خصصت و ترکیب سازمان دانشجویان را در نظر گرفت. اگر درست است که سازمان دانشجویان يك سازمان با سازمان پیشاهنگ، نیست، بلکه يك سازمان توده‌ای است که در آن افراد ارگانه و ناگاه در کنار هم قرار دارند. اگر درست است که در سازمان دانشجویان افرادی با نظرات گوناگون سیاسی و مسلکی شرکت دارند و بالاخره اگر درست است که سازمان دانشجویان بتواند اکثریتی هرچه بیشتری از دانشجویان را در خود متشکل سازد، آنوقت این نتیجه گیری هم درست و متفق است که باید تا آن حد فعالیت سیاسی کرد و آنچنان شمارهای سیاسی را مطرح ساخت که برای اکثریت قابل فهم باشد. اکثریت را فعالیت و با فعالیت او دارد. سازمان دانشجویان جزیت نیست و نباید جای هیچ حزبی را هم بگیرد. متأسفانه در این اواخر زیاده روی‌هایی در این زمینه دیده میشود که هم برای سازمان دانشجویان بطور کلی و هم برای فعالیت سیاسی آن‌ها بطور خاص میتواند زیان بخش باشد.

سازمانهای دانشجویی تقریباً در عمل کمتر بکار صنفی میگردند و در همانحال شمارهای سیاسی نمی‌یابند. فعالیت‌هایی را از نظر سیاسی بهمه میگیرند که نه در صلاحیت آنهاست و نه از عهده انجام آن برمیآیند. نتیجه عملی این وضع آن شده است که اغلب فقط افراد ارگانه در میدانند. این درست است که افراد ارگانه و پیشاهنگ، وابسته به هر گروه سیاسی که باشند، طبیعتاً در سازمان صنفی هم نقش فعالی برعهده دارند، ولی بطرفی و بیطرفی اکثریت توده دانشجوی بدیده ناسالمی است که باید بطور جدی تا آنجا که مربوط به فعالیت سازمان دانشجویان است، برای خنثی کردن آن بچاره جوی برداخت. این نکته را همیشه باید مورد توجه قرار داد که توده دانشجویان از راه علاقمندی صنفی فعالیت صنفی و سرانجام فعالیت سیاسی جلب میشود. توده دانشجویان باید درک کنند که سازمان دانشجویان متعلق بباوست، مفید بحال اوست، نه این که متعلق بسازمان سیاسی معینی است و با سازمانهای سیاسی آنرا وسیله اجرای نظریات خود قرار داده اند. تمام توانائی و مهارت مسئولین سازمان دانشجویان در آنجاست که بتوانند منافع و شمارهای صنفی را با منافع و شمارهای سیاسی تلفیق کنند، بطوریکه اکثریت هر چه بیشتری را به پشتیبانی فعال از این شمارها جلب کنند و سازمان دانشجویان را هم به سلاح مؤثری برای دفاع از حقوق و منافع صنفی دانشجویان و هم به نیروی مبارزه و همی در بیکار عمومی ملت ایران (که دانشجویان را هم در برمیگیرد) تبدیل نمایند.

مسائل سیاسی و ایدئولوژیک

سازمان دانشجویان، که نه حزب است و نه وابسته به سازمان سیاسی معینی است و در همانحال صاحبان نظرات گوناگون سیاسی و مسلکی در آن عضویت دارند باید بویژه در مسائل سیاسی و ایدئولوژیک دقت زیادی بخرج دهد. وجود اختلاف بویژه در مسائل سیاسی و ایدئولوژیک در چنین سازمانی طبیعی و بدیهی است. بجز این از یکطرف باید بطور عمده بر روی مسائلی که نزدیکی و اتفاق نظر وجود دارد تکیه کرد و از طرف دیگر از طرح مسائلی که موجب تشدید اختلاف میشود پرهیز کرد. نتیجه اینکه شمارهای سیاسی و اتخاذ موضع سیاسی باید در مقطع نظریات کلی و مشترک اکثریت قاطع دانشجویان انجام گیرد. در مسائل مورد اختلاف نیز باید کوشید که با بحث و مشورت دوستانه و با روش اقلیتی بدون جانبداری

مهم به توده اعضا مراجعه شود و آنچنان شرایطی فراهم گردد که اقلیت بتواند آزادانه نظر خود را بیان کند و اگر درست میگفت با اکثریت تبدیل شود. حتی در آرگانهای رهبری هم باید اقلیت را شرکت داد تا اعتماد همه افراد جلب شود و امکان عملی کردن طرحها و برنامه‌ها بوجود آید. چون باین نکته اساسی باید توجه داشت که اگر اعضا سازمان صنفی داوطلبانه و با اعتقاد کامل با اجرای دستوری نبردازند، هیچگونه مقررات انضباطی نمیتواند و حق ندارد آنها را با اجرای دستور وادار کند. در غیر اینصورت با دستورات روی کاغذ میماند و با با اجرای مقررات انضباطی افراد و سازمانها از دست میروند. گاه دیده میشود اکثریتی (که از نصف باضافه يك یا دو تجاوز نمیکند) بدون کوشش در راه اقلیت مخالفان و پیدا کردن راه حل مشترک صراست نظریات خود را تمام و کمال از پیش ببرد. چنین روشی با روح دمکراتیک سازمان صنفی میبایست دارد و منجر بفرقه میگردد. بعلاوه اکثریت باید واقعی باشد نه ظاهری، یعنی کوشش نشود که در لحظه معین و بهر قیمت از نظر عدوی اکثریت بدست آید. اکثریتی واقعی است که علاوه بر اکثریت عدوی از نمایندگان حاضر در يك جلسه پشتیبانی اکثریت توده دانشجوی را هم در برداشته باشد. بهرین جهت سازمان دانشجویان همیشه باید آنچنان سیاستی را پیش گیرد و آنچنان شعاری را بدهد که مورد قبول و پشتیبانی اکثریت هر چه وسیع تری از اعضا سازمان و توده دانشجوی قرار گیرد. چنین کاری هم لازمه اش نه فقط انتخاب درست شعارهاست، بلکه بکار بردن روش اقناعی برای قبولاندن شعارها نیز هست. و این کار فقط با احترام به نظریات گوناگون امکان پذیر است.

فعالیت سیاسی

در دنیای کنونی هیچ فردی و سازمانی از سیاست

از زاله

بسا زندگیها بود مرگبار

بسا زندگیها بود مرگبار ،
بسا مرگها زندگی آفرین .
بسا شوره زاران که گراز شد ،
بسا شد که پوسید خرم زمین .

بسا بردگانیکه گفتند «نی»
وز آن «نی» گسستند زنجیر خویش
بسا راد مردان که مردند اسیر
که پنهان نمودند شمشیر خویش .

بسا شد که درخیم خونخوارهای
بحکم زر و زور بر شد به تخت
بسا شد که از جنبش خصم کوب
شد آزاد يك ملت تور بخت .

بسا پیشه را گر بیخشی خطاست
در عصیان نباید خطا کار شد .
نخواهد دگر خلق رزمنده ای
که از خواب دیرینه بیدار شد .

یکطرفه وصف بنی، در جهت نزدیک کردن نظریات کوشید و نقاط مشترک را پیدا کرد. زیرا که در اینجا صحبت برسر یکی کردن تمام عقاید و نظریات نیست و نمیتواند باشد. با اینکه هم اکنون در سازمان های دانشجویی اتفاق نظری که در مسائل سیاسی و بویژه در مبارزه ضد استعماری وضد استبدادی وجود دارد بسلقه است، ولی متأسفانه گاه کج رویهایی هم پیش میخورد. صف بنی در مسائلی که برای گروههای مختلف جنبه اصولی دارد و حل، این مسائل باتوسل به رای، به اتحاد دانشجویان کمک نکرده است. تجربیات گذشته بویژه در این مسئله باید آموزنده باشد که برای نیل به شعار درست کنفدراسیون (اتحاد - پیروزی) بیش از پیش و با صداقت و بیگیری باید بر روی هدف مشترک تکیه کرد.

اتحاد

دهر جنبشی اتحاد شرط اساسی پیروزی است. با توجه باین نکته دادن شعار اتحاد بهیچوجه کافی نیست. باید دالما در جستجوی راههای نیل به اتحاد بود. باید برای اتحاد نیز مبارزه کرد. بویژه در سازمان دانشجویان که افرادی از قشرها و طبقات گوناگون و بانظریات سیاسی و مسلکی متفاوت شرکت دارند، بویژه نیل به اتحاد بفرنجتر، دشوارتر و طولانیتر است. برای اینکار واقع بینی، خونسردی، صبر، بیگیری و گذشت لازم است. اگر این نکات رعایت شود آتوقت سازمان دانشجویان میدان بسیار مناسبی برای اتحاد نیروهای مختلف است. در اینجاست که برخورد آراء و عقاید انجام میگردد. تماسهای فردی و جمعی برقرار میشود. وحدت عمل بوجود میآید و هر روز گام جدیدی در راه اتحاد عمیقتر برداشته میشود. در شرایط کنونی سازمان دانشجویان میتواند حتی نمونه‌ای برای وحدت عمل در سایر سازمانهای توده‌های و دمکراتیک و برای اتحاد همه نیروهای ملی در مقیاس کلی تر قرار گیرد. اهمیت رعایت استقلال و دمکراسی در سازمان دانشجویان در پر تو مسئله اتحاد باز هم بیشتر میشود. زیرا هر عملی و هر شعاری که با اتحاد دانشجویان لطمه زند، آنرا تضعیف کند و یا راه تقویت و تعمیق آنرا سد نماید نادرست است. در این زمینه مسئولین سازمانهای دانشجویی و گروههای مختلف سیاسی نه فقط در برابر توده دانشجویان بلکه در مقابل ملت ایران دارای مسئولیت سنگینی هستند. وحدت عملی که بویژه در این اواخر در بین دانشجویان بوجود آمده امید بخش و شایان تحسین است. باید امید داشت و با ذرک عمیق این مسئولیت برای تحقق این امید مبارزه کرد، تا در آینده وحدت عمل باز هم عمیقتر و همه جانبه تری برقرار گردد و راه پیروزی هموار شود.

اینجا توضیحات مختصری در باره برخی مسائلی بود که جنبش دانشجویی با آنها روبرو است. همانطور که در آغاز متذکر شدیم طرح و بحث این مسائل از جانب ما برای نزدیک کردن نظریات و تحقق اتحاد برای نیل به هدفهای مشترک است. بنظر ما جنبش دانشجویان ایرانی، که با تکیه به سنت شایسته خود هم اکنون با استواری و شجاعت شایان، در راه دفاع از حقوق و منافع صنفی و سیاسی دانشجویان مبارزه میکند و سهم برجسته‌ای در مبارزه ملت ایران علیه رژیم ضد ملی وضد دمکراتیک کنونی دارد، بان درجه ارزش رسیده است که بتواند بعل منطقی این مسائل نائل آید.

رادیو پیک ایران

همه روزه در ساعت ۶ و ۸ بعد از ظهر بوقت تهران بر روی امواج کوتاه ۲۵ - ۲۶ متر برنامه بخش میکند. رادیو پیک ایران زبان گویای همه میهن پرستان و آزادیخواهان ایرانی است. رادیو پیک ایران را بشنوید و شنیدن آنرا بدیگران توصیه کنید.

دامنه اعتراضات بین المللی علیه مجامعات غیر قانونی نظامی بسط مییابد

اعتراضات بین المللی علیه محاکمه روشنفکران ایرانی روز بروز بسط مییابد. از جمله بوروی مرکزی ث. ژ. ت. (بزرگترین اتحادیه کارگران فرانسه) در نامه و تلگرافی که روز ۱۰ دسامبر برای نخست وزیر فرستاده است تسلیه مجازاتهایی که مورد تقاضای دادستان دولتی است اعتراض نموده و خاتمه محاکمه رسوای تهران و منع تعقیب متهمین و الغاء احکامی را که صادر شده خواستار گردیده است در عین حال بوروی مرکزی اتحادیه کارگران فرانسه در پیامی که بکمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد فرستاده تقاضا نموده است که یک هیئت رسیدگی از طرف سازمان ملل متحد بایران اعزام گردد.

نامه‌ها و تقاضاهای مشابهی نیز از جانب فدراسیون بین المللی حقوق بشر، سندیکای سرتاسری کارمندان فرهنگ فرانسه، اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه، اتحادیه دانشجویان عربی در اروپا، جمعیت دانشجویان عرب در فرانسه، جمعیت دانشجویان مسلمان افریقای شمالی، اتحادیه دانشجویان مراکش، اتحادیه دانشجویان الجزایر، دانشجویان گروه سوسیالیست تونس، اتحادیه دانشجویان کمونیست فرانسه، جنبش جوانان کمونیست فدراسیون گروههای دانشجویان ادبیات فدراسیون

افکار عمومی جهان اعتراض میکند

دانشجویان افریقای سیاه و غیره فرستاده شده است.

شاه بنحو رسوائی قضات را تحت فشار قرار میدهد

روزنامه فرانسوی اومانیه در شماره ۹ دسامبر ۱۹۶۵ خود شرحی بضمون ذیل در باره جریان محاکمه ۹ نفر روشنفکر ایرانی نوشته است:

«در حالیکه محاکمه ۹ نفر روشنفکر ایرانی در تهران جریان دارد، شاه رأی قضات دادگاه را خود از پیش بیان میکند چنانکه اخیراً گفته است: «این جوانان هر قدر هم انکار کنند باز گناهکارند».

استاد ژوئه نوردمان دبیر کل جمعیت بین المللی حقوق دانان دموکرات این اظهار

دیگر معلوم نیست دادرسی قضائی چه فایده‌ای میتواند داشته باشد.

بمناسبت این محاکمه مقامات ایرانی کوشیدند نشان دهند که در کشورشان محاکمات سیاسی طبق قواعد علنت و بیطرفی جریان دارد زیرا محاکمه علنی است و به ناظرین خارجی و از جمله بنیامینه جمعیت بین المللی حقوقدانان دموکرات اجازه داده شده است که در محاکمه حضور یابند.

امروز معلوم میشود که تمام این جریان جز ظاهر سازی مضحکی بیش نیست زیرا حکم از پیش صادر شده آنهم از طرف خود شاه ...

بنا بر این باید افکار عمومی بین المللی با قدرتی بیشتر از پیش تظاهر کند تا بتوان اقداماتی را که طرح آن از طرف حکومت ریخته شده است با شکست روبرو ساخت. باید بوسیله نامه‌های اعتراض و اعزام هیئتهای نمایندگی این انزجار و نفرتی که در نتیجه اظهارات شاه بوجود آمده است باستحضار سفارت ایران در فرانسه رساند.

روز ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ مطابق با ۱۹ آذر سال ۱۳۲۷، مجمع عمومی سازمان ملل متحد با توافق آراء اعلامیه‌ای در باره حقوق بشر صادر کرد. این اعلامیه بعداً بتصوب مجلس ایران رسید. طبق این اعلامیه «هر انسان حق آزادی فکر، عقیده و مذهب دارد» (ماده ۱۸) «هر انسان حق دارد آزادانه عقیده خود را بیان کند» (ماده ۱۹) اما در ایران آنچه وجود ندارد آزادی فکر و عقیده است. تمام میهن پرستانی که در ۱۲ سال اخیر زندانی، تبعید و اعدام شده‌اند گناهشان فقط داشتن فکر و عقیده بوده است. شاه از یکسو حقوق انسانی مردم ایران را لگد مال میکند و از سوی دیگر روز اعلامیه حقوق بشر را سالوسانه جشن میگیرد.

و عدالت موجود نیست. همه دیدند که چگونه حتی قوانین ساخته و پرداخته رژیم هم رعایت نمیشود. بار دیگر در برابر افکار عمومی ایران و جهان این جلادان بودند که رسوا و محکوم شدند نه قربانیان. نمونه زنده رسوائی و محکومیت گردانندگان محاکمه فرمایشی در افکار عمومی جهان گزارش بسیار. طالب آقای اوچی کوالیبری حقوقدان ایتالیایی است که خود شخصاً در دادگاه غیر قانونی نظامی حضور داشته است. مخبر روزنامه لوموند نیز در مصاحبه اخیر خود باشاه و در چند مقاله خاص پیشوه دیگری بی‌بایگی اینهمه را که به متهمین وارد آمده فاش کرده است.

برسیاعمال جنایتکارانه رژیم جنایت افزوده شد. ولی اگر شاه و چاکرانش خیال میکنند با ترور میتوان مردم ایران را بتسلیم در برابر سلطه زورورز واداشت سخت در اشتباهند. تاریخ ملت ما به تنهایی برای درک این حقیقت کافی است.

با خوشوقتی تلقی میکنیم و هر اقدامی را که در جهت تقویت جنبش رهایی بخش ملی بعمل آید تأیید مینمائیم و آنچه را که بنظر ما مفید میرسد ابراز میکنیم.

رضوی

رسوایا بشرح زیرین برای روزنامه اومانیه تفسیر میکند: «مداخله قوه مجریه در امری که تحت محاکمه است و هنوز حکمی درباره آن صادر نشده بمنزله اعمال فشاری است که در هیچ کشور متمدن قابل قبول نیست. در واقع اظهارات شاه بدین معنی است که قضات در صورتیکه حکم محکومیت مورد تقاضا را صادر نکنند از حکم شاه تمرد کرده اند و این امر نه تنها مخاطراتی برای مقام آنها بوجود میآورد بلکه مخاطراتی برای امنیت شخصی آنها در بر دارد بوژه آنکه ایران کشوری دیکتاتوری است. استقلال قضایی یکی از تضمین های اساسی برای محاکمه شوندگان است. بنا براین اگر رأی دادگاه تهران باید از جانب قوه مجریه صادر گردد

تقویم مردم

دانشجویان که اعضاء حزب توده ایران و جبهه ملی بودند یادشان پیوسته گرمی است و هزارها دانشجویی که در سراسر ایران، اروپا و امریکا علیه رژیم فاسد شاه مبارزه میکنند وارثین برحق ستهای انقلابی دانشگاه هستند.

۱۹ آذر سال ۱۳۲۷

رویدادها و تفسیرها

با حضور در محل اعتصاب غذا با دانشجویان ایرانی ابراز همبستگی کرده‌اند. دکتر لیلی از بهران مذهبی آلمان غربی و دکتر واندشناید وکیل مدافع آلمانی که بنماینده‌گی از طرف سازمان بین المللی غفو چندی پیش بایران رفته بود، سازمان بین المللی غفو جمعیت حقوق بشر طی تلگرافهایی بدولت ایران و شاه بمحکومیتهای اخیر اعتراض کردند. همچنین ۲۳ نفر از نمایندگان مجلس و ۱۵ نفر از استادان و شخصیتهای برجسته سویس طی تلگرافی به شاه اعتراض خود را اعلام داشته‌اند. در انگلستان از جانب دانشجویان ایرانی تظاهرات خیابانی صورت گرفته است.

شاه و چاکرانش بار دیگر کوشیدند عده ای بیگناه را برای تحکیم رژیم ترور قربانی کنند. ولی تمام جریان دادگاههای غیر قانونی آشکارا بجهت مردم جهان نشان داد که در رژیم کمونی اثری از قانون

با توجه باین اصل مسلم نزدیک شدن به توده های زحمتکش و سازمانهایی را که مورد اعتماد توده ها و متعلق بانها هستند وجهه همت خود قرار دهد. ما هر پیشرفتی را که در راه اتحاد نیروهای ملی حاصل شود بدیده انصاف

تقویم مردم

دانشگاه از نیروهای مسلح شاه تخلیه شود. روز ۱۶ آذر، روز تظاهر دانشجویان علیه این تجاوز مسلحانه بود. اما شاه خونخوار تقاضای منطقی دانشجویان را با گلوله پاسخ گفت. دانشجویان را در کلاسهای درس به گلوله بستند و در نتیجه سه نفر از دانشجویان دانشکده فنی، بزرگ تپا، شریعت رضوی و قندچی به شهادت رسیدند. این

تقویم مردم

با اعتصاب غذا زده‌اند. اعتصاب غذا برای مدت ۵ روز ادامه داشت و روز اول دریمه بپایان رسید در آلمان غربی اعتصاب غذا با شرکت در حدود ۲۵ نفر در شهر ماینز انجام گرفته. قبل از شروع اعتصاب جلسه مطبوعاتی با حضور نمایندگان جرالد رادبو و تلویزیون و تمام سازمانهای دانشجویان آلمانی یک نماینده مجلس آلمان غربی وعدهای از استادان دانشگاه تشکیل شده و ماهیت رژیم ترور در ایران افشا گردیده است. نماینده مجلس آلمان غربی بعداً بسفارت ایران اعتراض کرده و ۱۱ نفر از استادان دانشگاه ماینز جداگانه از خواستهای دانشجویان ایرانی پشتیبانی کرده‌اند. روز ۲۷ آذر (۱۸ دسامبر) تظاهرات وسیعی با شرکت ۳۰۰ نفر از دانشجویان ایزانی و آلمانی در شهر ماینز صورت گرفته وطی آن ده هزار اعلامیه پخش شده است. اخبار دیگری که تا این لحظه بما رسیده حاکی است که دانشجویان عراقی مقیم آلمان غربی بسفارت ایران اعتراض کرده و نمایندگان آنها

فداکاری، گذشت و در بساری از موارد قربانی لازم دارد. نشریه «پیام دانشجو» ضمن پیشنهاد های خود بجهت ملی سوم بسترستی یکی از خصوصیات ضروری را برای این جبهه عبارت میداند از: «ارزیابی از توده مردم بعنوان نیروی اساسی جنبش ملی ایران و بالتسجه توجه عمیق به نیاز های جامعه ایران و اعلام شعارهایی که نزدیکی هر چه بیشتر جبهه را به محرومترین مردم جامعه ما ممکن سازد و دامنه و عمق نفوذ را بین توده های مردم وسعت بخشد» ما امیدواریم که جبهه ملی سوم

تقویم مردم

فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان تشکیل شد. طی بیست سالیکه از حیات این سازمان جهانی میگردد میلیونها زن از طریق سازمانهای خود در آن متشکل شده اند. تشکیلات دموکراتیک زنان ایران و سازمان زنان ایران که تا کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ فعالیت پر دامنه‌ای در بین زنان ایران داشتند و در بین زنان مبارز ایران از حیثت فراوان برخوردارند هر دو از اعضاء فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان هستند.

تقویم مردم

در ماههای پس از کودتای خائنه ۲۸ مرداد شاه که از دانشجویان وحشت داشت گروههای مسلح خود را به دانشگاه فرستاد. دانشجویان میخواهند که

تقویم مردم

محکوم واقعی جلادان اند نه قربانیان. علیرغم خشم و اعتراض شدید افکار عمومی ایران و جهان دادگاه غیر قانونی تجدید نظر احکام صادره از دادگاه بدوی نظامی را در باره متهمین حادثه کاخ مرمر با کمی تغییر تأیید کرد. در هر حال احکام اعدام منصوری و کابروانی ابرام شده و خطری که جان این دو نفر را تهدید میکرد مسلم گردیده است. تا این لحظه هنوز از اجرای این حکم ظالمانه و غیر قانونی خبری نیست. ولی این جریان موج خشم و اعتراض جدیدی در درمیان مردم ایران و افکار عمومی جهان برانگیخت.

کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی از اعضاء خود خواست که با استفاده از تمام امکانات با اعتراض برخیزند. از روز ۲۶ آذر (۱۷ دسامبر) در تمام کشورهای اروپا و امریکا نمایندگان دانشجویان ایرانی در هر کشور در یک شهر جمع شده و دست

تقویم مردم

در باره جبهه ملی سوم ایران اعتقاد دارند امکان پذیر نیست. توده ها باید درک کنند که سازمانهای ضد استبدادی و ضد استعماری طرفدار آزادی و بهبود وضع آنها هستند و این کار جز از طریق نزدیک شدن بزحمتکشان شهر و ده و نشان دادن علاقه بسرنوشت آنها امکان پذیر نیست. نفوذ در توده ها، متشکل کردن آنها و کشاندن آنها بمبارزه دستجمعی بهتر شکل که باشد بخصوص در شرایط دشوار کشور ما کار آسانی نیست

بقیه از صفحه ۷

بقیه از صفحه ۲

زهناب و جهانباب و عظیم زاده و جواد فروغی بیروزی دادند. آنها همراه دیگر خلقهای ایران تحت رهبری حزب توده ایران - حزب واحد کارگری سراسر ایران بی خستگی و فتور تا بیروزی نهایی خواهند رژیمند. ما بمناسبت بیستمین سال جنبش دموکرات آذربایجان بروای پاک و تابناک شهیدان این جنبش درود میفرستیم.